

OCTOBER

۱۰۶

اکتبر

۲۲ شهریور ۱۳۸۵ ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۶ دبیر کمیته کردستان: حسین مراد بیگی (حمه سور)

سردبیر: عبدالله شریفی



### اسلام و اسلام زدایی

بخشی از مصاحبه منصور حکمت با "نگاه" نشریه کانون پژوهشی نگاه، دفتر اول، ژانویه ۱۹۹۹

پرنشندی نگاه دارد. واضح است که یک ژورنالیست نان به نرخ روز خور باید این عبارت را استفاده کند و این باور را اشاعه بدهد، چون مدل تبلیغی و نگرش محافل سیاسی حاکم در جامعه غربی امروزه این است. به همین ترتیب محافل دانشگاهی از این الگو تبعیت میکنند، افکار عمومی در این جهت سوق داده میشود و غیره. واقعیت این است که این اسم گذاری و دستبندی کذب است. هدف این اسم گذاری، از هر سو که باشد، این است که کاراکتر اسلامی قوانین و مناسبات حاکم بر جامعه ایران، نه محصول یک تحمیل و فشار سیاسی، بلکه ناشی از نگرش و باورهای خود مردم قلمداد شود. اگر واقعا حجابی بر سر زنان ایران است، انتخاب ←

که جامعه ایران را جامعه‌ای اسلامی نام میگذارد، درست نظیر کسی که آن را آریایی، شاه پرست، ایرانی، شیعی و غیره توصیف میکند، دارد در قلمرو پروپاگاندا حرکت میکند. سوال این است که چه کسانی و در چه چهارچوب سیاسی و تاریخی ای دارد ایران را جامعه‌ای اسلامی توصیف میکنند و چه نتایجی میخواهند از این توصیف بگیرند. برای مثال معلوم است که رژیم اسلامی باید جامعه ایران را جامعه‌ای اسلامی توصیف کند، تا به وجود یک حکومت اسلامی در جامعه رنگ مشروعیت بزند. واضح است که یک راسیست و مهاجرت‌ساز غربی باید ایران را جامعه‌ای اسلامی بخواند تا شکاف میان آملی که از ایران آمده است را با مردم محل باز و

فرهنگ و هویت‌شان است. آیا به نظر شما، مردم ایران مسلمانند؟ ایران کشوری اسلامی است؟ و آیا ملاحظت فوق صحیح هستند و باید آنها را رعایت کرد؟ منصور حکمت:

نفس دستبندی کردن و بسته بندی کردن واقعیت مرکزی نظیر یک جامعه، زیر یک برچسب تقلیل‌گر ایانه مذهبی یا قومی و ملی، بخودی خود گواه این است که ما با یک تئیین علمی یا حقیقت‌جویانه روبرو نیستیم. کسی

نگاه: یک مساله دیگر در این مورد که نه فقط توسط برخی از جریان‌های سیاسی و مستشرقین و رسانه‌های گروهی غرب گفته میشود، بلکه در بین بعضی از متفکرین و روشنفکران این کشورها هم طرفدار دارد، این است که مردم این کشورها مسلمانند و آنچه که در آنها جریان دارد، برای مثال موقعیت زنان و حجاب اجباری، جزو

### برای شکست فضای اختناق و تحمیل فقر و فلاکت بر مردم، بمیدان بیایید!

از گرانی و تشدید اختناق، و پلیسی تر کردن فضای جامعه میکوشد بقای عمر ننگین خود را برای سیاهی و تباهی هر چه بیشتر جامعه افزایش دهد. غافل از اینکه نفس بحران اقتصادی لاینحل موجود و نفرت عظیم توده های مردم ایران به عنوان دو عامل تعیین کننده همچنان بر سر رژیم در پرواز هستند و عواملی است که میتواند کل موجودیت آنرا بزیر بکشد و حاکمیت سیاه آنرا یک بار برای همیشه در صحنه سیاست



عبدالله دارابی

رژیم اسلامی حاکم بر ایران، به بهانه جنگ با آمریکا، همزمان دو سیاست تجدید فقر و اختناق بر مردم را در سراسر ایران آغاز نموده و باره انداختن موج جدیدی

حزب حکمتیست از فعالیت کنگره آزادی عراق علیه اشغال گری آمریکا و در جهت قدرتمند کردن مردم عراق برای دفاع از خود در مقابل ارتجاع اسلامی و قومی حمایت کامل میکند. مردم ایران در این مبارزه در کنار مردم عراق و در کنار کنگره آزادی عراق هستند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ۱۰ سپتامبر ۲۰۰۶

### حمله نیروهای آمریکائی به دفتر کنگره آزادی عراق در بغداد محکوم است!

در هم شکستن درب دفتر وسایل موجود در دفتر و غارت اسناد و کامپیوترهای آن زدن. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست این اقدام دولت آمریکا را محکوم میکند. چنین اقداماتی نفرت مردم از اشغال و از نیروهای اشغالگر را افزایش میدهد

طبق خبر منتشر شده از جانب کنگره آزادی عراق نیروهای آمریکائی طی دو روز متمادی یعنی در روزهای هفتم و هشتم سپتامبر (۱۶ و ۱۷ شهریور) دفتر کنگره آزادی عراق در بغداد را مورد حمله قرار دادند. در این حملات نیروهای آمریکائی اقدام به

### مصاحبه اکتبر با زمناکو عزیز

عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق!

اکتبر: بعداز اعتراضات مردم در شهرهای کلار، کفری، چمچمال، زراین، سلیمانیه، دهوک و سرانجام اربیل در اعتراض به فقر و فلاکت، گرانی و عدم امکانات اولیه زیستی مانند آب، برق، مواد سوختنی و... فضای شهرهای کردستان چگونه است؟

کمونیست کارگری عراق، در میان صدها معترض دستگیر شده در جریان اعتراضات عمومی اخیر شهرهای کردستان عراق بود. اگر چه زمناکو و تعدادی دیگر از دستگیر شدگان بر اثر فشار اعتراضی مردم آزاد شدند، اما هنوز جمعی از جوانان و مردم معترض کماکان در زندان های سلیمانیه در اسارت هستند.



زمناکو عزیز، همراه تعداد زیادی از کادرها و اعضا حزب

### در صفحات دیگر

تجمع کارگران در مقابل استانداری در سنندج!

قدردانی و لیست کمک های مالی به کمیته کردستان حزب

اکتبر می پرسد؟ (سوسن هجرت)

به مردم آزادیخواه روستای نگل!

زمناکو عزیز: در يك مشاهده ساده میشود دید که زندگی مردم در کردستان عراق و در سراسر عراق، زیر منگنه

### در کنگره اول حزب حکمتیست شرکت کنید!

کنگره اول حزب حکمتیست، روزهای ۲۱ و ۲۲ اکتبر در آلمان، بصورت علنی برگزار میشود!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

خودشان باشند و از نگاه اسلامی‌شان به جهان مایه بگیرند، چقدر وجدانها در غرب آسوده‌تر میشود، چقدر معاملات و بند و بست‌های رژیمهای دمکرات و لاس زدن روشنفکران و ژورنالیستهای یابی [yuppie] غربی با دولت ایران موجه میشود، چقدر خفه کردن صدای اعتراض زن ازاده و اپوزیسیون انقلابی ایران به عنوان عده‌ای ناراضی افراطی و "اجدا از مردم" ساده‌تر میشود. بسته‌بندی مذهبی و فرهنگی و قومی و ملی مردم، همیشه قدم اول در انکار حقوق یونیورسل و جهان شمول آنها به عنوان انسان است. اگر نسل‌گشی در رواندا [Rwanda] ادامه یک سنت افریقایی است، اگر سنگسار یک رسم اسلامی مردم ایران است، اگر حجاب بخشی از فرهنگ زن در "جوامع اسلامی" است، اگر شوهر دادن دختر نه ساله رسم و رسوم خود مردم آن ممالک است، آنوقت واقعا میشود فراموششان کرد، میشود تحقیرشان کرد، میشود بمباران‌شان کرد و در پشت دیوار بلند منبیت و دمکراسی غربی زیر دست حکام خودشان رهیشان کرد. اما اگر معلوم شود که این انسانها چون دیگران در جامعه‌های سرمایه‌داری و در یک

بازار جهانی، تولید و زیست میکنند، اگر معلوم شود که این راه و رسم‌ها و قوانین اسلامی به زور زندان و شکنجه‌گاه و اعدام و گشت خیابانی و شنه و اسید و سنگسار به اینها تحمیل شده است، اگر معلوم شود که این مردم نظیر همه جای دیگر تشنه آزادی و برابری و رفع تبعیض اند، اگر معلوم شود که قوی‌ترین خصیصه این مردم، علیرغم همه این فشارها، عطششان برای فرهنگ و زیست نوع غربی است، آنوقت تمام این عمارت ایدئولوژیکی عوام فریبانه فرومیریزد و خسارات غیرقابل توصیفی به بار می‌آورد. جامعه ایران، جامعه‌ای اسلامی نیست. رژیم استبدادی حاکم بر ایران یک رژیم اسلامی است، که علیرغم همه این فشارها، هنوز نتوانسته است مردم را مجبور ناگزیر کند تا این هویت اسلامی را بر خود ببینند. من یک غاز برای روشنفکری که با ارجاع به آمار ثبت احوال و مقوله "مذهب رسمی" مهر تأیید پای این اسم‌گذاری ریاکارانه می‌گذارد، ارزش قائل نیستم پذیرش این مقوله، و از آن بنتر تبلیغ این مقوله، یک رکن تداوم فاجعه‌ای است که در ایران و کشورهای اسلام زده جریان دارد.

### نگاه:

به عنوان آخرین سؤال، نظرتان درباره وضعیت جنبش ضد مذهبی در قرن اخیر در ایران چیست؟ فکر میکنید این جنبش چه مختصات و چه جایگاهی در مبارزه و تلاش عمومی توده مردم برای یک زندگی بهتر دارد؟

**منصور حکمت:**

هم جنبش مذهبی و هم جنبش ضد مذهبی در ایران برای بخش اعظم قرن بیستم، تحت تأثیر ترندهای بین‌المللی مهمتری قرار گرفتند که به اینها رنگی متفاوت از کشمکش مذهب و روشنگری در اروپای قرون قبل زد. اشاره من به انقلاب اکتبر و ظهور شوروی و بالاخره جنگ سرد است. هم اسلام و هم روشنگری ضد اسلامی در متن یک تاقی مهمتر بین‌المللی، در ظرفیت‌های تاریخی دیگری قالب زده شدند، یا شاید بتوان گفت از نو تعریف شدند. روشنگری ابتدا به بخشی از تحرک سوسیالیستی در جامعه بدل شد، اما خیلی سریع با ظهور شوروی به عنوان یک اردوگاه بورژوازی جهانی، عملاً به یک جنبش ایزاری و مُم بریده تبدیل شد. به نظر من لیه انتقادی و مذهب‌ستیزی آزاداندیشانه و بی‌محابای این جنبش محو شد، چرا که اکنون آخوند ملی و مذهب

خلقی، و الهیات‌رهای بخشی که میتوانست مؤتلف اردوگاه شوروی در مقابل آمریکا باشد، کشف شده بود و اسلام قایل دفاع یا قایل مدارا یافت شده بود. با استالیانی شدن و توده‌ایست شدن جامعه روشنفکری ایران و ورود ملاحظات تاکتیکی در برخورد به مذهب به عنوان پدیده‌ای که از قرار میتوانست علیه سلطنت و آمریکا کارساز باشد، دور ارفاق به اسلام و بعد حتی تطهیر آن شروع میشود. در قطب مقابل، اسلام ضد کمونیست به یک اسلحه قوی غرب در جنگ با کارگر و کمونیسم ایران بدل میشود. این بارورهای مذهبی مردم و قدرت اسلام به مثابه یک دین نبود که جمهوری اسلامی را ساخت، بلکه نیاز موکلین سابق رژیم شاه برای ادامه سیاست سرکوب چپ در ایران بود که اسلام در حل اضمحلال و منزوی خمینی را به جلوی صحنه کشانید. همه اینها، خیلی خلاصه، به این معناست که جدال آزاداندیشی با اسلام به عنوان یک مذهب به سرعت تحت تأثیر فعل و انفعال بخش‌های مختلف جامعه، و همینطور قدرت‌های بین‌المللی، با اسلام سیاسی و جنبش اسلامی، قرار می‌گیرد. اگر کسی سی سال قبل از یک موضع آنتیستی بنیاد

اسلام را به ریشخند و نقد میگرفت، نه فقط از طرف دستگاه اسلام، بلکه از طرف خلقیون و ضداستبدادیون مورد حمله قرار میگرفت. کما این که امروز هم همان اردوگاهی‌ها، و کسانی که نگرش سیاسی‌شان محصول آن اردوگاه است، به ما منتقدین قاطع اسلام و مذهب حمله میکنند. از نظر اینها انقلابیگری و ترقی‌خواهی نه در کوپین اسلام و مذهب، بلکه در کنار آمدن و همزیستی با آن و ابداع یک اسلام "نو" و "امروزی" و غیره است. به نظر من، امروز جنبش ما (کمونیسم کارگری) است و نفرت عمیق توده وسیع مردم ایران و بویژه زنان و جوانان در ایران از اسلام، که ماتریال یک تحول جدی ضد مذهبی و اسلام‌زداییانه را در

به نظر من، امروز جنبش ما (کمونیسم کارگری) است و نفرت عمیق توده وسیع مردم ایران و بویژه زنان و جوانان در ایران از اسلام، که ماتریال یک تحول جدی ضد مذهبی و اسلام‌زداییانه را در ایران میسازد. اگر مردم ایران بنیاد چیزی از جنس سعادت را تجربه کنند، این جنبش باید پیروز شود. مطمئنم که در این مسیر، و با تکان خوردن مردم، یک قشر از روشنفکران آزاداندیش، روشن و روشنگر، به این جبهه خواهند پیوست. (منصور حکمت)



سلطه دستجات و احزاب محلی و مرکزی گرفتار شده اند. فشار سنگینی کمبود و نبود امکانات زیستی، فقر، فلاکت و بی حقوقی سیاسی و اجتماعی هر لحظه بر کرده این مردم بیشتر میشود. جامعه‌ها رها شده است، کسی جوابگو نیست، نه حکومت مرکزی هست که بشود گفت باید جواب مردم را بدهد و نه احزاب "حاکم" بر کردستان عراق زیر بار مسولیت فلاکت مردم میروند. ظاهراً شمار "حکومتها" اینجا کم نیست اما نه دوایر و مسولین احزاب "حاکم" در کردستان عراق و نه حکومت مرکزی نمیخواهند کاری برای مردم انجام دهند. خلا "حکومت" و عدم تقبل و پذیرش مسولیت، فضا را شدیداً نا امن ساخته است.

عمومی، نرخ ناچیز دستمزد و در آمد مردم وضعیتی را بوجود آورده که روز به روز مردم را به خاک سیا نشانده است. مسله این نیست که مواد مورد نیاز گیر نمیاید، مسله این است برای تهیه هر مقدار مواد ضروری زنگی باید چند برابر قیمت های متعارف پرداخت کرد، این برای اکثریت مردم مقنور نیست، در چنین شرایطی فقطاقلیتی که سالها از قبل غارت دسترنج و به گرو گرفتن زندگی مردم در زمره ثروتمندان خاورمیانه هستند، ممکن است، مردم میگویند بازارها برای فرعونها باز است و گرنه بروی اکثریت مردم بسته است. به این دلایل مردم بیزار و خشمگینند، مردم بیقرار شده اند، این وضعیت را واقعا نمیشود تحمل کرد، ۱۵ سال است صبر میکنند که تغییری ایجاد شود. مردم بارها به آزمایش خود و احزاب حاکم دست زده اند، از شنیدن وعده های پوچ تا سرکوب و خشونت تا زندان و مسلسل را تجربه کرده اند، مردم دیگر به اینها اعتماد ندارند. اعتراضات اخیر شهرهای کردستان عراق گوشه ای از

نمایش این انزجار و نفرت بود. این وضعیت مردم را وسیعا به میدان کشانده است، روحیه همبسته و حمایت بیدریغ مردم از همدیگر در مقابل اجحافات نیروهای احزاب ناسیونالیست کرد شاهد صحت این ادعا است. گفتم که هر جا اعتراضی صورت گیرد بلافاصله به سراسر شهر و شهرها سرایت میکند. این روحیه اعتراضی و همبستگی را در این شرایط میشود به خوبی دید. آن مدت که ما در زندان بودیم، مردم یک لحظه هم از اعتراض ناپستاندند، آزادی ما مدیون فشار همه جانبه این مردم بود. این فضا اعتراضی به نظر من میتواند زمینه حرکت های جدیتر برای تغییرات اساسی در زندگی مردم باشد.

### اکتبر:

بعد از این جریان توقع مردم از حزب شما تغییر کرده است، نقشه شما برای جوابگویی به توقع مردم چیست؟ این اتفاق رابطه حزب شما را با مردم قاعدتاً باید نزدیکتر کرده باشد، چگونه این رابطه را در تامین امر رهبری تلقی میکنید؟

### زمنای عزیز:

حزب ما در کنار طیفی وسیعتر از سوسیالیست ها و آزادیخواهان این جامعه، در کنار جمعی وسیعتر از رهبران اعتراضات مردم در صف مقدم دفاع از حقوق جامعه قرار دارد، تا اینجا خوب است اما اصلاً کافی نیست. هم اکنون حزب ما در خط مقدم قرار گرفته و به نقطه امید هزاران دارد تبدیل میشود. مردم این جامعه حتی مانند دو ماه قبل به مانگاه نمیکندند، توقعشان از ما بالا رفته است، معلوم است دارند به ما اعتماد میکنند، به ما گوش میدهند و به فراخوانهای ما جواب میدهند. مسله این است این اتفاق را رهبری حزب ما باید ببیند، رهبری حزب باید این فرصت را بشناسد و به استقبال آن برود. برای این کار باید آماده و قدرتمند بود، باید روشن و نقشه مند بود. ما هنوز در ابتدای کار هستیم. ما باید بتوانیم مبارزات مردم را از پراکنگی در بیوریم و متحد کنیم، باید پرچم و افق انسانی حزب ما توده گیر شود ما باید تحرکات رایکال مردم را به

نیروی تغییرات و بهبود زندگی همین مردم تبدیل کنیم. باید تشکلهای وسیع مردم را در محل زندگی و کار، در شهر و روستا، در کارخانه و مدرسه سازمان داد. و هم چنین باید حمایت و همبستگی وسیع جهان خارج از عراق را، سازمانها نهادهای مدافع حقوق انسان، طلح طلبان، انستادونستان را وسیعا حول این مبارزات بسیج کنیم. اکنون ما موقعیت خوبی داریم ما نقشه روشن و راه حل انسانی داریم، تاکنون پیشرویهایی کرده ایم، برای ادامه و تحقق این اهداف، کارهای بیشتری را در عرصه کردستان اختصاص داده ایم اما هنوز به شمار بسیار بیشتری نیاز داریم، هنوز نیازمند نیروی بسیار فراوانتری هستیم، این وظایف ساده ای نیستند اما ممکن هستند، ما هنوز در ابتدای کار هستیم.

## اکتبر می پرسد؟



سوسن هجرت

## اکتبر:

شما در مسافرت اخیان به کردستان عراق امکان یافتید که با جمعهای نسبتاً زیادی از مردم و بویژه زنان دیدار کنید، جنبش برابری طلب در شهرهای کردستان را چگونه میبینید، بنظر شما رابطه این جنبش با حزب حکمتیست باید چگونه باشد؟

## سوسن هجرت:

همه میدانند که رژیم جمهوری اسلامی ایران، نظامی ضد زن است. دنیا این رژیم را اینطور میبشناسد، آپارتاید جنسی در

ایران در جهان معروف است. از بنو تولد این رژیم، سرکوب و بی حقوق کردن کامل زنان از سیاستهای اصلیش بوده است. حجاب اجباری، قوانین ضد زن، سنتهای عقب مانده و زن ستیز، سنگسار و کشتار زنان امری است که در طول عمر این رژیم همیشه وجود داشته است. با این همه واقعیت دیگری نیز غیرقابل انکار است و آن هم این است که جنبشی در مقابل این رژیم شکل گرفته است به وسعت ایران، جنبش برابری طلب زنان، این جنبش هم تاریخ خود را و افت و خیزهای خود دارد آنچه مورد نظر من است این است که این جنبش در مقابله جدی با سیاستها و اعمال و قوانین ضد زن جمهوری اسلامی برای خلاصی از این بی حقوقی به میدان آمده است، ۸ مارس های شهرهای کردستان و تحرکات دیگر این قبیل پروژات اجتماعی و علنی هستند که میشود سیر این حرکت را نشان داد.

زنان بطور کلی با هر تفسیری که از برابری زن و مرد دارند در یک موضوع هم قولند و

## برای شکست فضای اختناق... ازش ۱

ایران پاک و بدور اندازد. اما منافع هنگفت طبقاتی این رژیم هار سرمایه حکم میکند هم برای بقای خود و هم حفظ مناسبات حاکم بر جامعه تا آخرین لحظات ممکن بجنگد و بقای ننگین خود را بر دوش میلیونها انسان گرسنه و مرعوب شده سازمان دهد. تشدید فضای جنگی و اختناق و تحمیل فقر و فلاکت هر چه بیشتر امروز بر کارگران و مردم ایران حکایت از همین داستان دارد که به یمن جنگ چند ساله اخیر آمریکا در عراق و جنگ چند هفته قبل لبنان و تقویت حزب اله، این فرصت را برای رژیم فراهم آورده تا بیش از پیش تعرض به سطح معیشت مردم و برقراری فضای جنگی در جامعه را دامن زند. مردم ایران طی دو ماه اخیر در همین رابطه شاهد حمله رژیم به سطح معیشت کارگران و اخراج و دستگیری رهبران و فعالین آنان،

## تجمع کارگران در مقابل استانداری در سنندج

کارگران خواهان کار و یا بیمه بیکاری شدند دیروز دوشنبه ۲۰ شهریور بیش از ۵۰ نفر از کارگران، که بیشتر آنها را کارگران اخراجی نساجی، شاهو و پرریس تشکیل میدادند در جلوی استانداری در سنندج تجمع کردند و خواهان کار یا بیمه بیکاری شده و از مسئولین خواهان رسیدگی به خواستههایشان شدند.

در روزهای اخیر و بعد از مبارزه و اعتراض کارگران پرریس، ار سوی کارگران و بویژه کارگران بیکار تجمع و

گرانی بنزین، جمع آوری آنتن های ماهواره ای، حمله بنزان و تهدید و دستگیری جوانان و... بوده است. مضافاً اینکه در آستانه گشایش دانشگاه ها تدارک برای نا امن کردن محیط دانشجویی در دستور است و همزمان با آن نیز گرانی نان هم قطعی گردیده که بی تردید مجموعه این فشارهای سیاسی و اقتصادی مقاومت و مقابله های جدی و جدید کارگران و مردم را به همراه خواهد داشت.

چنانچه همه میدانیم، جنگ و فضای جنگی از چند ماه قبل توسط رژیم اسلامی ایران با حدت تمام آغاز شده و اهداف و مقاصد آنهم برای عموم آشکار و عیان است. در این رابطه بحث اصلی بر سر این است که روند تا کنونی این تعرض رژیم تا به امروز پلسخ شایسته و درخور خود را از طرف مردم دریافت نکرده و حالت صبر و انتظار تا حدودی بچشم میخورد. باید این حالت را در هم شکست و برای پاسخ گویی جدی

به رژیم، بمقابله بر خیزیم در این رابطه مخاطبین اصلی من فعالین، کارگران پیشرو، جوانان مبارز و انقلابی و در درجه اول فعالین حزب حکمتیست و گارد آزادی در شهرها است که باید بی صبرانه برای در هم شکستن این فضای جنگی بمیدان بیایند و مردم را حول گران کردن بنزین، جمع آوری آنتن های ماهواره ای، حمله به معیشت کارگران و دستگیری و اخراج آنان، تعرض به زنان، دانشجویان و جوانان و گرانی نان و امکانات زیستی و... سازمان دهند و با اتحاد و همبستگی کارگران و زنان و جوانان ضمن حفظ و تضمین دست آورد های تا کنونی، توازون قوای جامعه هم را به نفع خود تغییر دهیم و بدین وسیله راه را برای سرنگونی تمام و کمال رژیم و استقرار حکومت سوسیالیستی در ایران هموار سازیم. در کشمکش یک نبرد پیروزمندی شک صف جنبش سرنگونی طلبی رژیم هم با قدرت

آن این است که برای رها شدن زنان ایران از این اسارت باید رژیم جمهوری اسلامی را برداشت. زنان میدانند که با یکروز عمر بیشتر این رژیم باید زیر حجاب و مقنعه و تحت قوانین و رسوم ارتجاعی زندگی کنند. میگویند مشکل تر از گرنگی این است که زن باشی و در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی زندگی کنی، لحظات زندگی این زنان، لحظات خشم و نفرت از این نظام است.

این جنبش را همه لمس میکنند و به پتانسیل قوی آن واقفند به همین دلیل جریانات ناسیونالیستی، راست و غیره هم مرتب تلاش میکنند که مسیر حرکت این جنبش را به سوی منافع خودشان بچرخانند. امروز با نور جدید فشار و ایجاد فضای اختناق آمیز و سرکوب، این جنبش نیز در معرض تعرض قرار گرفته است با این وجود زنان از پوشش لباس تا معاشرت، تا رفت و آمد تلاش میکنند که قوانین اسلامی را زیرپا بگذارند، هر فرصتی دست دهد

و مضمون و محتوای تازه تری بجلو صحنه رانده خواهد شد و در بطن آن نیز پرچم و رهبری خاص خود را هم بیرون خواهد زد. چگونگی سیر پیشروی این روند، اساساً به عزم و اراده و تصمیمات سیاسی و عملی حزب و فعالین پیشرو کارگران گره خورده چون علیرغم هر نوع کم و کاستی که وجود داشته باشد از همین امروز زمینه مقابله جدی مردم در برابر رژیم قابل اندازه گیری است و اعتراضات اخیر کارگران در چندین شهر بزرگ ایران و سنندج و همچنین رانندگان تاکسی در شهرهای سنندج و سقز و بوکان، بخوبی خود را برای این رویارویی جدید نشان داده و آمادگی خود را هم برای ادامه کاری این نبرد بنمایش گذاشته است. با توجه به همه این نکات از بایست نیروی گارد آزادی و فعالین کمونیست هیچ اعتراض کوچک و بزرگ کارگران، زنان و جوانان را در مقابل قلدری های رژیم

اعتراض میکنند و در اعتراضات عمومی نقش دارند.

مشکل جنبش برابری زنان پر اکندگی و بی رهبری است. این جنبش عمدتاً خود به خودی و در اثر فشار وحشتناک بروزاتی از خود نشان میدهد اما رهبری رانیکال که کل این حرکت را در مسیر انسانی به پیش راند مسله مهم این جنبش است. حزب ما و سیاست ما حتماً تأثیرات خود را کمابیش داشته است اما هنوز کار جدی میخورد تا در راس این جنبش قرار گیرد. به نظر من ما باید این خلا را پر کنیم و پرچم این جنبش باشیم و همزمان فعالین این عرصه در شهرهای کردستان هم بی وظیفه نیستند و باید بطور جدی با حزب حکمتیست در تماس باشند. تأمین این رابطه قدرت این جنبش را صدچندان میکند.

بدون سازمان و پوشش و حفاظ رها نکنند و همراه با کارگران و مردم متشکل و متحد در محل تحصن ها، صف های بنزین و نفت و نان، محلات مورد هجوم دسته جات اوباش رژیم، خیابانها، دانشگاه ها و... به مقابله برخاست و آنان از محل کار و زیست خود به عقب راند و سیاست های واهی او را به شکست کشاند. علاوه بر آن در صورت لزوم هم در اوقات مناسب و مساعد واحد های مسلح گارد آزادی به ماتور و تحرک و ابراز وجود قهرتمند در شهرها خواهند پرداخت.

## عداله دارایی

5 سپتامبر 2006

Darabi.abe@gmail.com

آمد. هیچ وعده ای از اینها برای یک ساعت هم نباید جای امیدی باشد. آنچه اینها را به رسیدگی به خواست کارگران میرساند تجمع های هزاران بیکاری است که هم اکنون وجود دارد. خواست کار و یا بیمه بیکاری، خواستی به وسعت همه کارگران است.

## کمیته سنندج حزب حکمتیست

۲۱ شهریور ۸۵ - ۱۲ سپتامبر ۰۶

سرکوب کارگران از طرف نیروهای امنیتی و مزدور کارفرما که آخرین مورد آن در ۴ شهریور در جریان اعتصاب کارگران پرریس روی داد، شنیداً مورد اعتراض است. کارگران میدانند که اگر در مقابل وضعیت فلاکت بار کنونی متحد نشوند و اعتراضات سازمان یافته ای نداشته باشند، دست کارفرما ها و دولت بر سرشان بیش از پیش دراز است.

تجمع کارگران در این روزها در سنندج نور امید دیگری برای حرکت کارگران بیکار و اخراجی و همچنین کارگران شاغل است. نیروهای امنیتی و انتظامی به آنها مختلف در پی جلوگیری از فعالیت و تجمع کارگران است. راهی غیر از سازمان دادن این اعتراضات نیست و باید قهرتمند تر به میدان

گرده همایی های مختلف برای پیگیری خواست هایشان، در جریان بوده است. این کارگران در اعتراض به وضعیت بیکاری خود که قبلاً در کارخانه های نساجی، شاهو و پرریس صورت گرفته بود اعتراض داشتند. این اعتراض مورد حمایت دیگر کارگران از کارخانه های دیگر بوده است و به همین منظور ساعت ۹ صبح روز ۲۰ شهریور جمعی در مقابل استانداری بر پا میشود و خواستشان مبنی بر کار و یا بیمه بیکاری را به اطلاع استانداری رسانده و تاکید کردند چنانچه به خواستههایشان رسیدگی نشود به اجتماعات خود ادامه میدهند. این تجمع علیرغم همه فشارها و تهدید کارگران و نمایندگانشان صورت گرفته است. اخراج کارگران و همچنین مساله دخالت و

## به مردم آزادیخواه روستای نگل! اطلاعیه 2

رژیم ممانعت ننمایند.

چنانچه اطلاع دارید طی 20 روز اخیر این چهارمین بار است که مزدوران سپاه پاسداران رژیم از شهر های مریوان و سنندج هر بار به بهانه ای مردم روستای نگل واقع در محور جاده سنندج - مریوان را تحت فشار و تهدید قرار داده تا بلکه بار دیگر با دایر نمودن مقر سپاه پاسداران در این روستا، زندگی را بر مردم نگل و روستا های مجاور نا امن تر نمایند. طی این چهار بار، مردم روستای نگل دسته جمعی در برابر دروغ و ریا کاری های مزدوران رژیم بمقابله بر خاسته و به هیچ وجه زیر

تلاش 20 روزه مزدوران رژیم اسلامی ایران بمنظور استقرار پایگاه سپاه پاسداران در روستای نگل با شکست مواجه گردید. روز جمعه 8 سپتامبر 2006، تعدادی از مزدوران سپاه پاسداران رژیم از شهر سنندج به همراه یک سرهنگ از پایگاه شویشه برای چهارمین بار به بهانه اینکه زمین پاسگاه قدیمی و مخروبه رژیم قبلا زمین کشاورزی بوده و بلحاظ ملکی به رژیم تعلق دارد و تاسیس پایگاه مجدد در آن بلحاظ قانونی بلامانع میباشد، وارد روستای نگل شده و از مردم خواسته اند تا در این رابطه از اقدامات

مردم نگل!

مبارزه متحد و یک پارچه تا کتونی شما در مقابل مزدوران رژیم، قابل تحسین است و جا این اتحاد و همبستگی را بیش از پیش مستحکمتر نمایید و آمادگی خونتان را برای مقابله های احتمالی دیگر همچنان حفظ نمایید و موضوع را خاتمه یافته تلقی نکنید.

کمیته میروان حزب حکمتیست، از مبارزات بر حق شما حمایت و پشتیبانی نموده و شما را تارسیدن به خواست های بر حق اتان یاری خواهیم داد.

10 سپتامبر 2006

مجید حسینی،

صالح سرداری،

عبداله دارابی

بار فشار و تهدید های پوچ و بی اساس آنان نرفته اند و این بار هم آنها را دست خالی از روستا شان بیرون کرده و به آنان گفته اند که این محل، قبلا قبرستان مردم روستا بوده که شما با زور سر نیزه انرا تصرف نموده و ادعای مالکیت شما بر آن دروغ و غیر واقعی است و ما به هیچ وجه اجازه نخواهیم داد بار دیگر در این محل را حضور یابید و زندگی را بر ما نا امن سازید. این بار تمام مردم روستای نگل دسته جمعی بمقابله پرداخته و به صراحت به مزدوران گوشزد کرده اند که، تلاش و تهدید های مستمر اتان بجایی نخواهد رسید چون ما عموم اهالی اعم از زن و مرد و پیر و جوان با بازگشت مجدد شما به این روستا، کاملا مخالفیم و اجازه نخواهیم داد چنین اقدامی به سرانجام برسد.

خرج سفر خود کمیته کردستان را در پیشبرد پروژه های خود یاری داده اند. ؛

۱- رسول بناوند

۲- سوسن هجرت

۳- عزیز عبدالله پور

۴- محمد خضری

۵- علی عبدالی

۶- سیوان رضایی

۷- لاله زندی

۸- رستم گودرزی

۹- جلال برخوردار

۱۰- ابراهیم باتمانی

۱۱- یدی کریمی

۱۲- رحمت فاتحی

۱۳- محمد فتاحی

۱۴- ابوبکر شریف زاده

۱۵- محمد راستی

۱۶- چیمین دارابی

۱۷- محمد جعفری

۱۸- عبدالله کهنه پوشی

۱۹- خالد علی پناه

۲۰- عبدالله شریفی

سردار نگلی، جمال پیرخیران، و دوستان دیگری ۲۲۵۰ کرون سوند.

۱۰- جمع آوری کمک مالی بوسیله آباچی ۲۴۵۰ کرون

۱۱- بهمین و نسرین استکهلم ۱۶۰۰ کرون

۱۲- رحمان قادری اسپانوسور ۱۴۰۰ کرون

۱۳- سیف اله حیدری اسپانوسور ۷۰۰ کرون

۱۴- حبیب مرادی و ثویبه محمدی ۲۵۰۰ کرون

۱۵- هاشم ترکمن ۱۰۰۰ کرون

۱۶- محمود شهابی ۲۵۰۰ کرون

۱۷- حمه سور ۱۴۰۰ کرون

۱۸- یدی گلچینی ۱۰۰۰۰ کرون

۱۹- افراسیابپور ۱۰۰۰۰ کرون

۲۰- رفیق رسول بناوند ۱۰۰۰۰ کرون

۲۱- حسن قادری ۱۰۰۰۰ کرون

۲۲- چیمین دارابی ۱۰۰۰۰ کرون

۲۳- جمع آوری کمک مالی توسط بداله دارابی ۱۰۰۰۰ کرون

۲۴- سیوان رضایی ۵۰۰۰ کرون

۲۵- آوات شریفی و پرستو مهاجر ۵۴۵۰ کرون

۲۶- جمع آوری کمک مالی توسط رحمان حسین زاده ۲۰۰۰ کرون

۲۷- اعظم کم گویان ۴۱۰ کرون

۲۸- کمیته بوکان ۶۲۰۰ کرون

علاوه بر این، این رفقا نیز که به کردستان عراق رفته اند با کمک مالی و

## قدردانی

۱- کادر ها و اعضا و دوستان حزب در نروژا داریوش نیکنام، ناصر مرادی، ملکه عزتی، غفار غلام ویسی، نسرین ، ابراهیم باتمانی و دوستان دیگری که کمک کرده اند ۵۱۰۰۰ کرون

۲- کادر ها و اعضا و دوستان حزب در المان ( محمد یگانه، سعید یگانه، همایون گدازرگ، نسان نودینیان، محمد راستی ۱۸۰۰۰ کرون

۳- جمع آوری کمک مالی در نشست شورای کادر های تشکیلات کردستان ۷۴۰۰ کرون

۴- جمع آوری کمک مالی در یوتوبوری از طرف توفیق محمدی، عبدالله دارابی، سلام زیجی، سیوان رضایی، آباچی، ایرج فرزاد، عبدالله شریفی و دوستان دیگری ۱۴۹۰۰ کرون

۵- جمع آوری کمک مالی در انگلیس بوسیله جمال کمانگر، فرهاد رضایی، محمد جعفری ۱۴۰۰۰ کرون

۶- جمع آوری کمک مالی از رفقای فنلاند بوسیله مجید حسینی ۲۱۰۰ کرون

۷- کمک مالی از طرف دوستان حزب در داخل کردستان ۸۲۲۵۰ کرون

۸- باز پرداخت بدهی بوسیله فرج شهابی، آباچی، گلاویژ مصطفی پور، محمد فضل، ایرج فرزاد و حمه سور ۲۰۰۰۰ کرون

۹- جمع آوری کمک مالی در استکهلم توسط

کمیته کردستان حزب حکمتیست در ۹ ماه گذشته پروژه های بزرگی را به سرانجام رسانده است. هزینه این پروژه ها بالغ بر ۵۰۰۰۰ کرون سوند شده است. کلیه هزینه های این پروژه ه، غیر از دو قلم وام از طریق جمع آوری کمکهای مالی مردم، کادرها و اعضا و دوستان حزب در خارج و داخل کردستان ایران تامین شده است.

هیئت اجراییه کمیته کردستان بدین وسیله از همه این عزیزان و کسانی که به خاطر مسائل امنیتی نامشان ذکر نشده است و ما را در جلو بردن پروژه های کمیته کردستان یاری داده اند صمیمانه تشکر میکند. دست یک یک شما را بگرمی میفشاریم. انتظار ما این است که همچنان ما را در جمع آوری کمک مالی برای پیشبرد پروژه های بزرگتری که در دستور کار کمیته کردستان قرار دارد، کمک و همراهی کنید.

از طرف هیئت اجراییه کمیته کردستان حزب حکمتیست  
حمه سور

۱۲ سپتامبر ۲۰۰۶

اولین کنگره حزب حکمتیست ۲۱ و ۲۲ اکتبر امسال در آلمان برگزار میشود. این کنگره علنی و شرکت برای همگان در آن آزاد است. حزب ما برای تحقق آرمانها و آرزوهای مردم ایران، برای سرنگونی رژیم اسلامی و برقراری یک دنیای آزاد و برابر، یک دنیا بهتر، مبارزه میکند. کنگره ما، محل تصمیم گیری در مورد بهترین راه دخالت ما در متحقق کردن این آرمانها، به قدرت خود مردم است. شما هم میتوانید به این جمع بپیوندید و در کنار اعضا و فعالین این حزب با ما از نزدیک آشنا شوید. میتوانید در این اجتماع بحث و دخالت کنید. کنگره حزب حکمتیست به همه کسانی که علاقمند اند که این حزب را از نزدیک بشناسند، با مکانیسم های تصمیم گیری آن، رهبری، کادرها، اعضا و فعالین آن از نزدیک آشنا شوند، دعوت میکنیم که در کنگره ما شرکت کنند. کنگره حزب حکمتیست به همه علاقمندانی که میخواهند در آن شرکت کنند، خوش آمد میگویی. برای شرکت در کنگره حکمتیست ها با ما تماس بگیرید.

دستیار سردبیر:

esmail.waisi@gmail.com

دبیر کمیته کردستان:

h\_moradbiagi@yahoo.com  
Tel:0046762737560

سردبیر:

sharifi abdollah@yahoo.com  
Tel: 0046704007620

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست بپیوندید!